

۱۱۱۱۱۱

## محورهای تقریب مذاهب اسلامی

محمدطاهر اقبالی<sup>۱</sup>

### چکیده

هم‌گرایی مسلمانان یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های فکری اندیشمندان مسلمان در چند قرن اخیر است. در میان تمام گونه‌های هم‌گرایی، هم‌سنگری اعتقادی با توجه به مبانی مشترک، یکی از اساسی‌ترین راه‌کارهای ایجاد وحدت اسلامی و تقریب مذاهب تلقی شده است. در این مقاله، مهم‌ترین مبانی و محورهای مشترک مذاهب اسلامی با توجه به برخی آیات، مرجعیت قرآن، سنت نبوی صلی الله علیه و آله، محبت ذی‌التقربى، و مرجعیت علمی اهل‌بیت علیهم‌السلام و اهری‌ترین مبانی مشترک اخوت اسلامی در همه عرصه‌ها و عصرها دانسته شده است.

کلیدواژه‌ها: قرآن، سنت نبوی صلی الله علیه و آله، اهل‌بیت علیهم‌السلام، اهل‌سنت، مذاهب، امت اسلامی.

### مقدمه

بی‌تردید دست‌یابی به وحدت، هم‌گرایی، و هم‌سازنگری اسلامی و پدید آوردن انسجامی خلاق و اثربخش و پایدار و از میان برداشتن فاصله‌های گوناگون موجود در جهان اسلام در عصر حاضر، نیازمند توجه به عرصه‌ها و محورهای مشترک و همگانی است. با توجه به رابطه تنگاتنگ و نظام‌واره آن عناصر، عملی شدن و تحقق هر یک نیز تأثیر مستقیم و همگون بر عملی شدن محورهای دیگر خواهد داشت. از این رو، در این مقاله به واکاوی این موضوع پرداخته و عناصر مشترک و مورد قبول مذاهب اسلامی را بررسی می‌کنیم.

### قرآن

یکی از اساسی‌ترین و مهم‌ترین عرصه‌های وفاق مذاهب اسلامی، قرآن کریم، معجزه خالد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است. تمامی فرقه‌ها و تحله‌های فکری، با همه تفاوت‌ها و ضدیت‌های جزئی موجود میان

۱- کارشناس ارشد فلسفه و کلام.

محورهای تقریب مذاهب اسلامی



آنان، باورها و اندیشه‌های اعتقادی خود را برآمده از قرآن می‌دانند و بر آن اصرار می‌ورزند و هر گونه ناهم‌سویی و ناهم‌گونی با آن را در نظام فکری خویش بر نمی‌تابند.  
رویکرد وحدت‌گرایانه و وفاق‌اندیشی به قرآن را می‌توان به دو صورت قابل تأمل و بررسی دانست.

### قرآن و خاستگاه مذاهب اسلامی

قرآن کریم آخرین کتاب الهی است که از سوی خداوند متعال، توسط پیامبر گرامی اسلام ﷺ برای هدایت بشر فرستاده شده است. آن گونه که ذکر گردید، همه مذاهب اسلامی، افکار و اندیشه‌های فکری و عقیدتی خود را برگرفته از گزاره‌های قرآن می‌دانند و بر آن مصر هستند این خود یکی از محورهای مشترک مذاهب اسلامی است که قرآن را منشأ و خاستگاه اندیشه خود قرار می‌دهند آنان معتقدند قرآن هر چیزی را که برای به کمال رسیدن ابدی و سعادت جاودانگی انسان لازم است، بیان کرده است و نیز قرآن، کلام الهی و از هر گونه تحریف مصون است، زیرا خداوند متعال خویش را حافظ و نگاهدار آن می‌داند. (حجر/۹۷)

از دیدگاه قرآن کریم، عقیده توحیدی رشته محکمی است که همه موحدان و یکتاپرستان را هم‌چون دانه‌های تسبیح در خود جای می‌دهد و با قرار دادن هر فردی در جایگاه مناسب خود، امتی واحد نیرومند و با عظمت به وجود می‌آورد:  
«إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ» (انبیاء/۹۲)، «وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ» (مؤمنون/۵۲).

بنابراین، قرآن کریم مهم‌ترین و اساسی‌ترین محور و منبع مشترک مذاهب اسلامی است. پیروان مذاهب اسلامی می‌توانند به عنوان «حبل الله» به آن تمسک جویند و با محوریت قرآن در عرصه‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و... با یکدیگر هم‌سوگیری و تعامل کنند. خداوند می‌فرماید:

«وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» و همگی به وسیله حبل خدا خویشتان را حفظ کنید و متفرق نشوید و نعمت خدا بر خویشتان را به یاد آرید، به یاد آرید که با یکدیگر دشمن بودید و در حالی که بر لبه پرتگاه آتش بودید، او شما را از آن پرتگاه نجات داد. خدای تعالی این چنین آیات خود را برایتان بیان می‌کند تا شاید راه پیدا کنید.» (آل عمران/۱۰۳)

مفسران به اتفاق، یکی از معانی «حبل الله» را قرآن کریم دانسته‌اند که خداوند متعال، علاوه بر مطرح کردن اصل وحدت اسلامی در این آیه، مسلمانان را به تمسک به آن سفارش کرده است.

امام علی علیه السلام از قرآن کریم به عنوان «حبل الله» یاد نموده است: «فإنه حبل الله المتين.» (نهج البلاغه، خ/۱۷۶) احمد قرطبی، یکی از مفسران بزرگ و شهیر اهل سنت، در تفسیر و توضیح واژه «حبل الله» می‌نویسد: «قوله تعالى (واعتصموا)... و قال ابن مسعود: حبل الله، القرآن... و عن عبدالله قال:

سؤال پنجم / شماره هفدهم

قال رسول الله ﷺ: «إن هنا القرآن هو حبل الله.» (قرطبی، ج ۲، ص ۳۸۸؛ آلوسی، ۱۴۱۵ ق، ج ۳، ص ۳۲۰ و سیوطی، ۱۴۲۱ ق، ج ۲، ص ۲۸۷) حسن طبرسی، یکی از مفسران بزرگ شیعه امامیه، در تبیین معانی و مصادیق «حبل الله» می‌گوید: «واعتصموا بحبل الله... وقيل في معنى حبل الله أقوال. أحدها انه القرآن» (طبرسی، ۱۴۱۵ ق، ج ۲، ص ۳۵۶ و شیخ طوسی، ج ۲، ص ۵۱۵)

### قرآن و راه‌کارهای گفتمان مذاهب اسلامی

با توجه به این که قرآن کریم، خود در پی وحدت اسلامی است و علاقه و تأکید ویژه‌ای نسبت به آن دارد، راه‌کارهای منطقی و صحیح گفتمان مذاهب اسلامی را نیز فرا روی مسلمانان، به ویژه متفکران و اندیشمندان مسلمان، قرار داده است.

### ضرورت گفت و گوی مذاهب اسلامی

تأمل در مجموعه آیات الهی ما را به این رهیافت رهنمون می‌سازد که از يك طرف پذیرش مسائل اعتقادی از نظر اسلام اجباری و اکراهی نیست: «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ» (بقره/۲۵۷) «وَقُلِ الْحَقُّ مِن رَّبِّكُمْ فَمَن شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَ مَن شَاءَ فَلْيُكْفِرْ» (سجده/۲۹) «فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيِّرٍ» (غاشبه/۲۲ و آل عمران/۲۰؛ بقره/۲۵۱ و دهر/۲) و از طرف دیگر، اسلام دین مقبول خداوند: «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ» (آل عمران/۱۹)، «وَ مَن يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَن يُقْبَلَ مِنْهُ وَ هُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ» (آل عمران/۸۵)، و دین کامل و جامع: «شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَ الَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَ مَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَى وَ عِيسَى» (شوری/۱۷) و نیز دین صلح، مدارا و رحمت است.

سیدقطب در ذیل آیه اکراه درباره آزادی عقیده در اسلام می‌نویسد:

«إن قضية العقيدة - كما جاء بها هذا الدين - قضية اقتناع بعد البيان والادراك وليست قضية اكراه غضب واجبار، ولقد جاء هذا الدين، ليخاطب ادراك البشر بكل قواه وطاقاته، يخاطب العقل المفكر؛ مسائل اعتقادية - همان گونه که در اسلام آمده - مسئله‌ای است که پذیرفتن آن در اثر بیان کردن و فهمیدن است نه به صورت تحمیلی و اجباری. و اسلام آمده است تا با تمام نیرو و توان اندیشه بشر و عقل انسان را مخاطب قرار دهد.» (سید قطب، ج ۱، ص ۲۹۱)

در واقع، منظور سیدقطب این است که امور عقیدتی از جمله موضوعات تقلیدی نمی‌باشد، بلکه در مسائل اعتقادی انسان باید خود به تکاپو برخیزد، مثل آنچه امامیه معتقد است که اصول دین تقلیدبردار نیست، ولی فروع دین تقلیدبردار است.

شهید مطهری رحمته الله علیه درباره اجباری نبودن جهان‌بینی اسلام و آزادی عقیده می‌گوید:

«قرآن خلاصه منطقش این است که در امر دین اجباری نیست، برای این که حقیقت روشن است، راه هدایت و رشد روشن، راه غی و ضلالت هم روشن. این راه را انتخاب بکند هر کس می‌خواهد و هر کس

محورهای تقریب مذاهب اسلامی

می‌خواهد، آن راه را، یک سلسله آیات در قرآن داریم که در آن تصریح می‌کند که دین با دعوت درست بشود نه با اجبار» (مطهری/ص ۳۳)

از این رو، تنها راه دعوت و تبلیغ اسلام برای ادیان دیگر، راه گفت‌وگوست که قرآن تأکید بسیاری بر آن نموده و شیوه‌های گفت‌وگوی ادیان و مذاهب اسلامی را بیان کرده است. یکی از متادیان وحدت و تقرب مذاهب اسلامی درباره مرجعیت و محوریت قرآن می‌نویسد:

«آنان، مسلمانان را به سوی قرآن، این جامع بزرگ، این دستاویز محکم، این پیوند ناگسستنی، که خدا توصیه کرده تا امت اسلام به عنوان «حبل الله» به آن چنگ زنند دعوت نمودند، زیرا که حیات جاویدان و نجات ملل مسلمانان جز در سایه آن میسر نیست. در غیر این صورت، مرگ و نابودی ابدی در انتظار آنها خواهد بود» (خیرخواه، ش ۸، ص ۵۰)

### شیوه‌های گفت‌وگوی مذاهب اسلامی

در قرآن کریم علاوه بر تأکید بر اصل و اساس گفت‌وگو، به شرایط روحی و روانی و روش بحث نیز توجه شده است، زیرا خداوند حکیم خالق انسان است و او بهتر به حالات بشر آگاهی دارد.

آیت‌الله محمدعلی تسخیری درباره نقش قرآن در گفت‌وگوی اسلامی می‌نویسد:

«قرآن بهترین روش گفت‌وگو را به مسلمانان توصیه می‌کند و آموزش می‌دهد و اگر قرآن دیده و زبان و گوش ما باشد، به گفت‌وگوی واقعی خواهیم رسید» (تسخیری، ش ۵۲، ص ۲۲) و نیز یکی از پژوهش‌گران می‌گوید: «اهمیت و جایگاه گفت‌وگو در قرآن به قدری دارای اوج و منزلت است که کاربرد واژه گفت‌وگو (قول و مشتقات آن) بعد از لفظ جلاله (الله) رتبه اول را حائز است.» (تندر، ص ۱)

### طرح مشترکات دینی

یکی از مسائلی که در قرآن به هنگام بحث و گفت‌وگو بر آن تأکید شده، مسئله مشترکات دینی است. گفتمان دینی و مذهبی باید در چارچوب مشترکات انجام گیرد:

«قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نُرْسِلَ إِلَيْهِ إِلَهًا وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا أَشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ؛ بگو ای اهل کتاب بیایید به سوی کلمه‌ای که تمسک به آن بر ما و شما لازم است و آن این است که جز خدا را نپرستیم و چیزی را شریک او نگیریم و یک‌دیگر را به جای خدای خود به ربوبیت نگیریم. اگر رو گردانند، بگوئید شاهد باشید که ما مسلمانیم» (آل عمران/۶۴).

«وَقُرْؤَا أُمَّتًا بِالَّذِي آتَيْنَا وَإِلَيْنَا وَإِلَيْكُمْ وَإِلَيْنَا وَاحِدٌ وَتَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ؛ و با اهل کتاب جز به وجه احسن مجادله نکنید مگر افرادی از ایشان که ظلم کرده باشند، به ایشان بگوئید ما به آن چه بر ما نازل شده و آن چه بر شما نازل شده ایمان داریم، معبود ما و شما یکی است و ما تسلیم آن معبودیم» (عنکبوت/۶۷).

«قُرْؤَا أُمَّتًا بِالَّذِي آتَيْنَا وَإِلَيْنَا وَإِلَيْكُمْ وَإِلَيْنَا وَاحِدٌ وَتَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ؛ و با اهل کتاب جز به وجه احسن مجادله نکنید مگر افرادی از ایشان که ظلم کرده باشند، به ایشان بگوئید ما به آن چه بر ما نازل شده و آن چه بر شما نازل شده ایمان داریم، معبود ما و شما یکی است و ما تسلیم آن معبودیم» (عنکبوت/۶۷).

قرآن کریم، مسلمانان را در صورت بروز نفاق و اختلاف در میان آنها، به اصل توحید و رسالت محمد ﷺ و در واقع به قرآن ارجاع داده و التزام به آثار عقیده توحیدی و احترام به رسالت آخرین سفیر الهی را زمینه اتحاد و اتفاق قرار داده و به صراحت فرموده است که با گروه یغی و متجاوز پیکار و برخورد جدی شود:

«وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلَا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَت إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلَا الَّتِي تُبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ فَإِنَّ فَاتَمَاتِ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْقَدْلِ وَأَنْسَطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ» (سحرات/۹).

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا» (نساء/۵۹).

### طرح گفت‌وگوی منطقی و عالمانه

قرآن، غنی‌ترین منبع احتجاج و مناظره دینی است. اسلام دین خردورزی و عقل‌محوری بود و قرآن شاهد آن می‌باشد. قرآن عقاید اولیه اسلام را به صورت مستدل و منطقی بیان کرده و با زبان استدلال، ادعاهای خود را اثبات نموده و بر همین روش حکیمانه و خردمندانه در گفتمان‌های درون‌دینی و برون‌دینی مسلمانان تأکید کرده است:

«ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (نحل/۱۲۵). شکی نیست که از آیه استفاده می‌شود که این سه قید یعنی «حکمت»، «موعظه» و «مجادله»، همه مربوط به طرز سخن گفتن است. رسول گرامی مأمور شده که به یکی از این سه طریق مخصوص دعوت کند، هر چند که جدال به معنای اخص آن، دعوت به شمار نمی‌رود. (طباطبایی، ۱۳۷۴ ش، ج ۱۲، ص ۵۳۴).

مباحث علمی و مناظره‌های مذهبی وقتی با ویژگی‌های بالا و با توجه به حقیقت‌جویی و حق‌طلبی بین متفکران مذاهب اسلامی صورت گیرد، به طور قطع آثار مطلوب و مورد قبول را در پی داشته و بستر مناسب هم‌زیستی و هم‌فکری مسلمانان را با گرایش‌های گوناگون فراهم خواهد نمود.

در تفسیر نمونه در ذیل این آیه آمده است:

«در واقع جمله اول (ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ) ناظر به استدلالات عقلی است... و تعبیر (وَالْمَوْعِظَةُ الْحَسَنَةُ) اشاره به بحث‌های عاطفی است، برای کسانی که زیاد اهل استدلال نیستند... و (وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ) از آن کسانی است که ذهن آنها قبلاً از مسائل نادرستی انباشته شده و باید از طریق مناظره صحیح ذهن آنها را خالی کرد تا آماده پذیرش حق گردد» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳ ش، ج ۱۰، ص ۳۹۳؛ همو، ۱۳۷۴ ش، ج ۱۱، ص ۴۵۵ و ج ۱۶، ص ۲۲۹ و کریمی حسینی، ۱۳۸۲ ش، ج ۱، ص ۴۰۲).

« وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ » (مکبوت ۷۶).

در تفسیر قمی آمده است:

«وقوله «ولا تجادلوا أهل الكتاب» قال: اليهود والنصارى، «إلا بالتي هي أحسن» قال: بالقرآن» (نمی، ۱۳۶۷ش، ج ۲، ص ۱۵۱)؛ مجادله نکند با اهل کتاب و آنان نصارا (مسیحیان) «بنی نجران» می باشند و گفته شده نصاری و یهود هر دو مقصوداند و نیز در تفسیر مجمع البیان آمده است:

«إلا بالتي هي أحسن» أي بالطريق التي هي أحسن وإنما يكون أحسن إذا كانت المناظرة برفق ولين لإرادة الخير والنفع بها ومثله قوله فقولا له قولاً لينا لله يتذكر أو يخشى والأحسن الأعلى في الحسن من جهة قول العقل له وقد يكون أيضا أعلى في الحسن من جهة قبول الطبع وقد يكون في الأمرين جميعاً وفي هذا دلالة على وجوب الدعاء إلى الله تعالى على أحسن الوجوه والظواهر واستعمال القول الجميل في التنبيه على آيات الله وحججه؛ مگر به بهترین راهی - که تا بشود خصم را مجاب نموده و پذیرای سخن خود گرداند و «مجادله احسن» آن است که به خاطر خیر خواهی و نفع رساندن با مدارا و نرمش انجام گیرد. و مانند این آیه شریفه است آیه دیگر: «قُولُوا لَهُ قَوْلًا لَيْنًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى» یعنی شما (ای موسی و هارون) با فرعون با نرمش سخن بگویید تا شاید متوجه شود و یا از آینده خویش بترسد.

«الا احسن» عبارت از بالاترین و بهترین مناظره‌ای است که از نظر عقل طرف را آوار و پذیرفتن کند و یا این که موافق طبع - انسانی - او باشد تا بپذیرد، و ممکن است هر دو معنی مقصود باشد در این آیه اشاره است که ارشاد جامعه و دعوت مردم بسوی پروردگار باید با بهترین وجه و زیباترین نحو و با نرمش در آگاهی آنان به نشانه‌های هستی خدای جهان و ایمان به او باشد» (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۸، ص ۴۵۰).

آیات بالا به صورت صریح رسول اکرم ﷺ را از دعوت و گفت‌وگوی غیرمنطقی و غیرعالمانه منع و نهی کرده، اما این حکم به ایشان اختصاص ندارد، زیرا به گفته مفسران، مورد و شأن نزول تخصص نیست، بلکه شامل تمامی مسلمانان و پیروان مذاهب اسلامی در همه عصرها و زمان‌ها می‌شود.

### طرح گفت‌وگوی مؤدبانه و اخلاق‌محورانه

از منظر قرآن کریم، گفت‌وگو بستر و راهبردی اساسی برای مناسبات و تبادل افکار و آرای بشری و زمینه‌ای پر ظرفیت و مناسب برای خلاقیت و رشد معنویت و تعامل اجتماعی و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز است. از این رو قرآن کریم به ظاهر، سبک و شیوه‌های گفت‌وگو و محتوای آن بسیار توجه نموده و مسلمانان را به رعایت مسائل اثرگذار و امور اثربخش در تبیین حق، امر نموده است؛

شماره پنجم / شماره هفتم

« فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ » پس بندگان مرا بشارت ده، همان‌هایی را که به هر سخنی گوش می‌دهند، پس بهترین آن را پیروی می‌کنند آنان هستند که خدا هدایتشان کرده و آنان هستند صاحبان خرد» (زمر ۱۷-۱۸).

« وَ قُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ » (اسراء ۵۳)، « قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا » (بقره ۸۳)، « قُولُوا لَهُ قَوْلًا لَيْنًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى » (طه ۴۴)، « قُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا » (نساء ۵۶)، « وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ » (انعام ۱۰۸).

بنابراین، قرآن کریم در آیات متعدد تأکید می‌کند که مسلمانان باید در گفت‌وگو مؤدبانه، دوستانه و مستدل رفتار کنند و حتی آهنگ صدایشان خالی از فریاد و جنجال و هر گونه خشونت و هتک حرمت باشد.

### سنت نبوی ﷺ

یکی دیگر از مهم‌ترین منابع دینی و محورهای تقریب مذاهب اسلامی، با توجه به شواهد قرآنی، سنت پیامبر اکرم ﷺ است که می‌تواند نقش ویژه‌ای در تقریب مذاهب اسلامی داشته باشد. شهید مطهری رحمته می‌نویسد:

«یکی از منابع شناخت که یک نفر مسلمان باید دید و بینش خود را از آن راه اصلاح و تکمیل بکند، سیره وجود مقدس پیامبر اکرم ﷺ است» (مطهری، ۱۳۷۷ش، ص ۲۷). برخی نیز معتقدند «دو منبع مهم اسلامی، قرآن مجید و سنت شریف نبوی می‌باشد که هیچ مسلمانی نمی‌تواند منکر آن شود» (محسنی، ۱۳۸۶ش، ص ۱۰۷).

### جایگاه پیامبر ﷺ در قرآن

از جمله عوامل جاودانگی یک مکتب و وحدت یک جامعه، ارائه الگوهای عینی، یقینی، قولی و فعلی در کنار الگوهای رفتاری است. مکتب اسلام، تنها مکتبی است که با ارائه الگوهای کامل در کنار دستورالعمل‌ها و تعالیم ممتاز، قول و فعل را ملازم هم‌دیگر ساخته و آهنگ جاودانگی و هم‌گرایی گرفته و پیامبر اکرم ﷺ را الگوی انسانیت معرفی کرده است:

«وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ ۗ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ ۗ وَ هُرِّغْتَ مِنْ رُؤْيٍ هُوَسَّ سَخَنِ نَمِي ۗ كَوَيْدِ ۗ أَنْ جِهَ مِي ۗ كَوَيْدِ جِزْ وَحِي نَيْسَتْ (نجم/۴۳).

«وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا ۗ وَ هُرِّغْتَ مِنْ رُؤْيٍ هُوَسَّ سَخَنِ نَمِي ۗ كَوَيْدِ ۗ أَنْ جِهَ مِي ۗ كَوَيْدِ جِزْ وَحِي نَيْسَتْ (نجم/۴۳)» و هر دستوری که رسول به شما داد بگیرید و از هر گناهی نهیتان کرد آن را ترک کنید و از خدا بترسید که خدا عقابی سخت دارد» (حشر/۷).

قرآن کریم به عنوان آخرین کتاب آسمانی، در آیات بالا در صدد تبیین نقش و موقعیت رسول گرامی اسلام ﷺ در ابعاد مختلف برای یکایک مسلمانان و انتظارات خداوند از مسلمانان در قبال هدایت‌گری و رهبری ایشان برآمده است. قرآن به طور صریح و روشن بیان کرده است که سخن پیامبر ﷺ وحی

محورهای تقریب مذاهب اسلامی

بوده و گرایش‌های شخصی و پیش‌فرض‌های فکری - اجتماعی در آن اثرگذار نیست و انتظارات خداوند از فرد فرد مسلمانان این است که در برابر آنچه وی به آنها دستور داده، سر تعظیم فرود آورند و آنچه را که از آنها منع نموده، انجام ندهند.

یکی از اموری که پیامبر ﷺ به آن اهتمام فراوان داشته و برای تحقق آن رنج‌ها کشیده، وحدت اسلامی، هم‌گرایی مسلمانان و نکویش جدایی و تفرقه در جهان اسلام است:

«لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا؛ در حالی که شما می‌توانستید به رسول خدا ﷺ به خوبی تاسی کنید، و این وظیفه هر کسی است که امید به خدا و روز جزا دارد، و بسیار یاد خدا می‌کند (حزاب/۲۱).

در این آیه خداوند، پیامبر ﷺ را الگوی مطلق معرفی می‌کند؛ یعنی نمونه در اعتقاد، سرمشق در اخلاق، الگوی اجتماع و اسوه در هر آنچه زمینه‌ساز تکامل بشر است. از این رو، یکی از مهم‌ترین بخش‌های زندگی آن حضرت، توجه، تأکید و تلاش مداوم ایشان برای تحقق وحدت اسلامی و برقرار نمودن اخوت دینی بین مسلمانان است:

«هَا أَنبِئَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِن تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا را اطاعت کنید، و رسول و کارداران خود را - که خدا و رسول علامت و معیار ولایت آنان را معین کرده‌اند - فرمان ببرید، و هرگاه در امری دچار اختلاف شدید، برای حل آن به خدا و رسول مراجعه کنید، اگر به خدا و روز جزا ایمان دارید، این برایتان بهتر، و سرانجامش نیکوتر است» (نساء/۵۹).

در آیات سوم و چهارم سوره نجم، به صورت مطلق، دخالت داشتن هوای نفس پیامبر ﷺ در قرآن و بیان آن نفی شده است. این آیه، صرف‌نظر از سیاقی که دارد، شامل تمامی اوامر و نواهی رسول خدا ﷺ می‌شود، و به دادن و ندادن سهمی از فیء منحصر نیست، بلکه همه اوامر و نواهی صادر شده از سوی آن حضرت را شامل می‌شود (طباطبایی، پیشین، ج ۱۹، ص ۳۵۳). در آیه ۲۱ سوره احزاب نیز گفتار و رفتار پیامبر ﷺ به عنوان الگو مطرح شده و خداوند همه مسلمانان را به پیروی از آن توصیه فرموده است. همچنین در آیه ۵۹ سوره نساء تصریح گردیده که در موارد اختلافی، از جمله به پیامبر ﷺ مراجعه کنید و این مطلب شامل اختلافات مذهبی نیز می‌شود.

### اهل بیت علیهم السلام

مسلمانان با همه اختلافات علمی و گرایش‌های گوناگون کلامی، فقهی و حدیثی خود، همواره توجه ویژه به اهل بیت پیامبر ﷺ داشته و آنان را برتر از سایر صحابه، تابعین و فقهای مذاهب اسلامی می‌دانسته‌اند.

الادب المفرد

سال پنجم / شماره هفدهم

با توجه به این مهم، در این بخش، موضوع اهل بیت علیهم السلام مطرح گردیده و به مباحثی نظیر مصداق اهل بیت علیهم السلام، مرجعیت علمی اهل بیت علیهم السلام، محبت اهل بیت علیهم السلام در قرآن و سنت نبوی ﷺ و نیز نظر بزرگان اهل سنت در این باره پرداخته می‌شود.

### مصداق اهل بیت علیهم السلام

یکی از مباحث اساسی درباره اهل بیت علیهم السلام که همواره در میان اندیشمندان مسلمان به صورت جدی مطرح شده، بحث مصداق‌شناسی اهل بیت علیهم السلام است. شیعیان و گروهی از اهل سنت معتقدند مصداق اهل بیت علیهم السلام، امام علی علیهم السلام، فاطمه علیهم السلام، امام حسن علیهم السلام، امام حسین علیهم السلام و ائمه بعد از آنها هستند اما برخی از اهل سنت معتقدند که علاوه بر موارد ذکر شده، زنان پیامبر ﷺ نیز مصداق اهل بیت علیهم السلام هستند.

با توجه به این دو رویکرد به مصداق‌شناسی اهل بیت علیهم السلام، شیعیان و جمعی از اهل سنت برای اثبات دیدگاه خود به آیات و روایات بسیاری که در منابع تفسیری، روایی و تاریخی فریقین آمده است، استناد کرده‌اند که در ذیل، به برخی آنها پرداخته می‌شود.

در تفسیر آیه ۳۳ سوره احزاب (آیه تطهیر) «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا»، روایات زیادی از طریق فریقین وارد شده است که به معرفی مصداق اهل بیت علیهم السلام پرداخته و آنها را (اهل کساء) دانسته است. روایت زیر از آن جمله است:

«رباح عن عم بن ابي سلمه ريبب النبي ﷺ قال: لما نزلت هذه الآية على النبي صلى الله عليه وسلم (إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا) فبیت ام سلمه فدعا فاطمه وحسناً وحسيناً فجلبهم بكساء وعلی خلف ظهره فجلبهم بكساء ثم قال: اللهم هؤلاء اهل بیته فاذهب عنهم الرجس وطهرهم تطهیراً قالت ام سلمه: وانا معهم یا نبی الله؟ قال: أنت علی مکانک وانت علی خیر؛ عمر بن ابي سلمه نقل می‌کند: هنگامی که این آیه (تطهیر) بر پیامبر اکرم ﷺ نازل شد، رسول خدا ﷺ حضرت فاطمه، امام حسن و امام حسین علیهم السلام را فرا خواند و با جامه‌ای آنها را پوشاند و امام علی علیهم السلام را نیز که پشت سر او بود پوشاند و سپس فرمود: خدایا اینها اهل بیت من هستند رجس و پلیدی را از آنها دور گردان! ام سلمه گفت: ای رسول خدا ﷺ من هم با آنها هستم؟ پیامبر ﷺ فرمود: تو در جایگاهت هستی» (ترسلی، ۱۴۰۳ق، ج ۵، ص ۳۵۱؛ نیشابوری، ۱۴۰۰ق، ج ۳، ص ۱۵۸-۱۵۹؛ هشمی، ۱۴۰۸ق، ج ۷، ص ۹۱ و حسکانی، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۲۰).

در روایات دیگری از رسول خدا ﷺ که در تفسیر آیه مباحثه: «قُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ آبَاءَنَا وَ آبَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ ثُمَّ تَبَيَّنَلْ لَكُمْ جَلَّتْ اللَّهُ عَلَى الْكَافِرِينَ» (آل عمران/۶۱) وارد شده است، نیز پیامبر اکرم ﷺ به معرفی اهل بیت علیهم السلام پرداخته است؛ از جمله:

«عن عامر بن سعد عن أبيه قال لما نزلت هذه الآية، «تدع آبائنا و آبائكم و نساءنا و نساءكم و أنفسنا و أنفسكم»، دعا رسول الله صلى الله عليه وسلم علياً و فاطمه و حسناً و حسيناً رضی الله عنهم فقال:

مجموعه‌های تقریب مذاهب اسلامی

اللهم هولاء اهلئنا؛ سعد بن ابی وقاص می‌گوید: هنگامی که این آیه (مباهله) نازل شد، رسول خدا ﷺ حضرت علی، فاطمه زهرا، امام حسن و امام حسین را فرا خواند و سپس فرمود: خداوند، اینها اهل بیت ﷺ من هستند» (نیشابوری، ج ۲، ص ۱۶۳؛ مسلم، ج ۲۴۰۴ و طبری، ۱۳۸۳ ش، ص ۱۶۱). هم‌چنین در تفسیر آیه مودت: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» (شوری/۲۳) روایات بسیاری از پیامبر اکرم ﷺ نقل شده که در آنها مصداق اهل بیت ﷺ به روشنی ذکر شده است. روایت ذیل از آن جمله است:

«عن ابن عباس قال: لما نزلت (قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى) قالوا: يا رسول الله من هولاء الذين أمرنا الله بمودتهم؟ قال: علي وفاطمة وولدهما؛ ابن عباس می‌گوید: هنگامی که آیه (مودت) نازل شد، گفتند: ای رسول خدا ﷺ! آنهایی که خداوند دستور به محبت و دوستی آنها را داده است چه کسانی هستند؟ پیامبر ﷺ فرمود: حضرت علی، حضرت فاطمه و دو فرزند آنها یعنی امام حسن و امام حسین ﷺ. (حسکاتی، پیشین، ج ۶، ص ۱۳۰؛ آلوسی، پیشین، ج ۲۵-۲۶، ص ۴۴؛ زمخشری، ۱۴۱۲ق، ج ۵، ص ۲۱۹ و تشریح، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۳۲-۳۳).

علاوه بر اینها، در روایات متعدد دیگری نیز که از رسول خدا ﷺ نقل شده است، علی، فاطمه زهرا، امام حسن و امام حسین ﷺ به عنوان مصداق اهل بیت ﷺ معرفی گردیده‌اند. (حسکاتی، پیشین، ص ۱۵؛ نیشابوری، پیشین، ص ۱۷۳؛ ترمذی، پیشین، ص ۲۵۲ و زمخشری، پیشین).

بنابراین، اهل بیت ﷺ از زبان پیامبر اسلام ﷺ، حضرت علی، حضرت فاطمه، امام حسن و امام حسین ﷺ هستند و کلام آن حضرت ما را از همه گفت‌وگوها بی‌نیاز کرده و مطلب را به طور روشن بیان نموده است.

**مرجعیت علمی اهل بیت ﷺ**

منظور از «مرجعیت علمی» نقطه مشترکی است که مسلمانان بر آن اتفاق نظر دارند و مسائل مورد اختلاف میان مسلمانان به آن منتهی می‌شود. به خصوص در مسائل اعتقادی و شرعی، مرجعیت از حقایق قرآن و سنت نبوی پرده‌برداری می‌کند (بی‌آزار شیرازی، ش ۱۸۴، ص ۱۴؛ تسخیری، ص ۱۳؛ همو، ش ۱۷۴، ص ۲۹؛ سبحانی، ص ۲۶ و ابازی، ش ۲۸-۲۷، ص ۳۳۸).

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «اگر در چیزی اختلاف کردید، آن را به خدا و پیامبرش ارجاع دهید. (نساء/۵۹) و نیز ما نازل نکردیم بر تو این کتاب را جز این‌که بیان کنی بر ایشان آنچه را در آن اختلاف دارند» (نحل/۶۴).

**قرآن و مرجعیت علمی اهل بیت ﷺ**

بدون شک مدرسه اهل بیت ﷺ در میدان تفسیر و تأویل و بیان معانی و مفاهیم قرآن، برجستگی خاصی نسبت به دیگر مدرسه‌های فرق و مذاهب اسلامی دارد. این برجستگی به دلیل وابستگی آنان به پیامبر ﷺ و اتصال آموزه‌های ایشان به وحی است.

در بحر و کافی درباره مرجعیت علمی اهل بیت ﷺ آمده است: «انان عالم به تأویل و تفسیر قرآن هستند» (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۱، ص ۲۱۳ و مجلسی، ۱۳۶۰ ش، ص ۸۹-۹۹).

۱. اهل بیت ﷺ اهل الذکرند؛ «فَسَلُّوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ؛ از اهل ذکر سؤال کنید، اگر نمی‌دانید.» (نحل/۱۲).

در تفسیر طبری به سندش از جابر جعفی آمده است: هنگامی که این آیه نازل شد علی ﷺ فرمود: «نحن اهل الذکر.» (طبری، ۱۴۲۱ق، ج ۱۷، ص ۵).

و حارت نیز می‌گوید: «سألت علیاً عن هذه الایه «فأسألو اهل الذکر» فقال: والله انا نحن اهل الذکر، نحن اهل الذکر، نحن اهل العلم ونحن معدن التأویل والتنزیل.» (حسکاتی، پیشین، ج ۱، ص ۴۳۲).

۲. اهل بیت ﷺ راستخان در علم‌اند؛ «وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ؛ در حالی که تأویل آن را نمی‌دانند مگر خدا و راستخان در علم، می‌گویند به همه قرآن ایمان داریم که همه‌اش از ناحیه پروردگار ماست و به جز خردمندان از آن آیات پند نمی‌گیرند.» (آل عمران/۷).

امام علی ﷺ در مورد راستخان در علم می‌فرماید:

«أین الذین زعموا انهم الراسخون فی العلم دوننا، کذباً و نبیاً علینا ان رفشنا الله و وضعهم واعطانا و حرمهم و ادخلنا و اخرجهم بنا یتسطعی الهدی و یتستجلی العمی؛ کجایند کسانی که پنداشتند آنان - نه ما - دانایان علم قرآن‌اند، به دروغ و ستمی که بر ما می‌رانند. خدا ما را بالا برده و آنان را فرو گذاشته، به ما عطا کرده و آنان را محروم داشته، ما را - در حوزه عنایت خود - درآورد و آنان را از آن بیرون کرد. راه هدایت را با راهنمایی ما می‌پویند و روشنی دل‌های کور را از ما می‌جویند.» (نهج البلاغه، ع ۱۴۴).

۳. علم کتاب نزد اهل بیت ﷺ است؛

«و یقول الذین کفروا لست مرسلأ قل کفی بالله شهیداً بینی و بینکم ومن عنده علم الکتاب؛ آنها که کافر شدند می‌گویند: تو پیامبر نیستی. بگو: کافی است که خداوند و کسی که علم کتاب نزد او است میان من و شما گواه باشد.» (رعد/۴۲).

ابوسعید خدری می‌گوید: «سألت رسول الله عن هذه الایه قال: ذاک اخی علی بن ابی طالب» (حسکاتی، پیشین، ج ۱، ص ۴۱۰ و ۴۲۲؛ شیخ صدوق، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۴۵۳).

دهها آیه دیگر، نظیر آیات تطهیر (احزاب/۳۳)، اکمال (مانده/۳)، ولایت (مانده/۵۵)، اولی الامر (نساء/۵۹)، صادقین (توبه/۱۱۰)، مس (واقعه/۷۷-۷۹)، اعتصام (آل عمران/۱۰۳)، اولوالعلم (آل عمران/۱۸)، من یشری نفسه (نقره/۲۳)، مباهله (آل عمران/۶۱)، مناجات (مجادله/۱۲)، هل اتی (انسان)، خیر البریه (بینه/۷)، سلام علی آل یاسین (صافات/۱۳۰) و راه مستقیم (انعام/۱۵۲)، بهترین دلیل بر مرجعیت علمی اهل بیت ﷺ می‌باشد.

مجموعه‌های تقریب مذاهب اسلامی

**سنت نبوی ﷺ و مرجعیت علمی اهل بیت ﷺ**

اهل بیت پیامبر ﷺ چون از راسخان در غم هستند و تأویل را از پیامبر ﷺ آموخته‌اند و در بیت وحی تربیت شده‌اند، این ویژگی را دارند که از کمال تأویل برخوردار باشند و به جایگاهی انحصاری برسند که افراد معمولی به آن دسترسی ندارند. پیامبر اسلام ﷺ از آغازین روزهای دعوت علنی مکتبش، در موارد متعدد مرجعیت علمی اهل بیت ﷺ را برای مسلمانان بیان فرموده است.

۱. اهل بیت ﷺ عدل قرآن کریم و قرآن ناطق‌اند.

پیامبر اکرم ﷺ در حدیث ثقلین می‌فرماید:

«انی تارک فیکم ما ان تمسکتم به ان تضلوا بعدی، احدهما اعظم من الاخر: کتاب الله جیل ممدود من السماء الی الارض، وعترتی اهل بیتی، ولن یتفرقا حتی یردا علی الحوض، فانظروا کیف تخلفونی فیهما؛ من در میان شما چیزی را بر جای می‌گذارم که بعد از من گمراه نشوید. هر یک از آنها بزرگ‌تر از دیگری است، کتاب خدا، ریسمانی که از آسمان به زمین کشیده شده است و دیگری، عترت و خاندان من هستند. این دو از هم جدا نمی‌شوند تا در کنار حوض بر من وارد شوند. پس ببینید و مواظب باشید که بعد از من چگونه با آنها رفتار می‌کنید» (مسلم، ج ۴، ص ۱۸۷۳).

این حدیث که بیش از سی صحابی آن را نقل کرده‌اند، در صحاح معتبر اهل سنت آمده است. بسیاری از بزرگان اهل سنت نیز معتقدند حدیث ثقلین بر مرجعیت علمی اهل بیت ﷺ تأکید می‌کند.

شیخ محمد ابوزهره معتقد است که حدیث ثقلین بیشتر بر مرجعیت علمی و فقهی اهل بیت ﷺ دلالت دارد تا بر مرجعیت سیاسی آنان: «لا یدل علی امامه السیاسه وانه اذل علی امامه الفقه والعلم» (ابوزهره، ۱۹۹۳، ص ۱۹۹).

۲. اهل بیت ﷺ امان امت اسلامی‌اند.

پیامبر اکرم ﷺ فرمود:

النجوم امان لاهل الارض من العرق واهل بیتی امان لامتی من الاختلاف؛ ستارگان امان اهل زمین از غرق شدن هستند و اهل بیت من امان امتم از اختلاف هستند» (نیشابوری، پیشین، ج ۳، ص ۱۶۲).

۳. اهل بیت ﷺ داناترین مردم به قرآن و سنت نبوی‌اند.

امام علی ﷺ می‌فرماید:

«انا نحن اهل البیت اعلم بما قال الله ورسوله» (ابن سعد، ج ۶، ص ۲۴۰).

احادیث فراوان دیگری نیز مانند حدیث غدیر، کساء، مدینه‌العلم، سفینه و منزلت، در منابع فریقین وجود دارد که مرجعیت اهل بیت ﷺ را به طور آشکار اثبات می‌کند.

**مرجعیت علمی اهل بیت ﷺ و امت اسلامی**

تفکیک متمایز و بنی‌بنیاد اهل بیت ﷺ در نشر معارف اسلامی، به خصوص تفسیر قرآن کریم و تبیین سنت نبوی ﷺ، بر هیچ مسلمانان منصفی که اندک بهره‌ای از علوم دینی و تاریخ اسلام داشته باشد،



پوشیده نیست، اما برای مستند شدن این مطلب، به برخی از اعتراضات صحابه و پیشوایان مذاهب اسلامی درباره مرجعیت و جایگاه علمی اهل بیت ﷺ به عنوان شاهد اشاره می‌گردد:

عمر فاروق، در موارد متعدد به نقش حیاتی امام علی ﷺ در زندگی خود اشاره نموده و می‌گوید: «لولا علی لهلک عمر» (ابن عبدالبر، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۱۱۱۰۳، ابن ابی‌الحدیث، ج ۱۲، ص ۱۷۹ و ۲۰۴ و ج ۱۸، ص ۱۴۱؛ ابن قتیبه، ۱۴۰۰، ص ۱۵۲، زندگی حنفی، ص ۱۳۲ و ۱۳۳، ایچی، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۱۳۷ و ۱۳۸، منی هندی، ۱۴۰۵، ج ۱۳، ص ۵۸۴، مغربی، ۱۴۰۳، ص ۷۱، عیاشی، ج ۱، ص ۷۵، قمی، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۴۰۷، بانلانی، ۱۴۱۴، ص ۴۷۶ و ۵۰۲، سمعانی، ۱۴۱۸، ج ۵، ص ۱۵۴ و رازی، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۲۰۵). و نیز می‌گوید: «انت (یا علی) خیرهم فتوی» (منی هندی، پیشین، ج ۸، ص ۱۶۰، محمد بن سعد، ج ۲، ص ۳۳۹ و بلاذری، ۱۹۷۴، ص ۱۷۷).

بسیاری از اهل سنت - در گذشته و حال - به برتری علمی اهل بیت ﷺ اعتراف کرده‌اند، که در ذیل به چند نمونه از آن موارد بی‌شمار اشاره می‌شود:

ابن عساکر در تاریخ خود در شرح حال امام سجاد ﷺ به نقل از ابن حازم می‌گوید: «هیچ مرد هاشمی را بهتر از علی بن الحسین نیافتم و هیچ کسی را فقیه‌تر از او ندیدم» (ذهبی، ۱۴۱۷، ج ۴، ص ۳۰۹ و ابن ابی‌الحدیث، ج ۱۵، ص ۷۲۵). عبدالله بن عطا می‌گوید: «همه علما و دانشمندان از نظر توان علمی فروتر از امام باقر ﷺ بودند» (حافظ اصفهانی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۶۸). فخر رازی در تفسیر خود می‌گوید: «ما هر چه را فراموش کنیم، این را فراموش نمی‌کنیم که قول علی پر قول صحابه دیگر اولویت دارد زیرا پیامبر ﷺ فرموده است: علی مع الحق والحق مع علی» (فخر رازی، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۱۱۱).

حسکانی به روایت از مجاهد می‌گوید: «همانا برای علی ﷺ هفتاد منقبت است که برای هیچ یک از اصحاب پیامبر ﷺ مثل او نبوده است و هیچ یک از مناقب آنان نیست جز آن که علی ﷺ در آنها شرکت دارد» (حسکانی، پیشین، ص ۱۷). ابن ابی‌الحدید می‌گوید: «چه بگویم درباره شخصی که دشمنان و مخالفانش به فضیلت او اقرار کرده‌اند و نتوانسته‌اند مناقبش را انکار و فضیلتش را کتمان کنند. پس او سرچشمه همه فضایل است.» (ابن ابی‌الحدید، پیشین، ج ۱، ص ۶).

این خلدون درباره جایگاه علمی اهل بیت ﷺ می‌گوید:

«وقتی که کرامات برای اشخاص دیگر امکان‌پذیر باشد و از آنان به وجود آید، چه گمان می‌بری در حق اهل بیت ﷺ، با آن علم و دین و آثار که از نبوت در آنان بوده و عنایتی که خداوند متعال به اصل شریف پیامبر اکرم داشته و آن عنایت به شاخه‌های پاکیزه آن اصل کریم رسیده است.» (ابن خلدون، ۱۳۶۶، ص ۳۳۴).

محمدفرید وجدی مصری نیز می‌نویسد: «صفاتی در وجود علی ﷺ گرد آمده که در دیگر خلفا نبود» (وجدی، ۱۹۷۱، ج ۶، ص ۶۵۹). شهرستانی هم در موارد متعدد، اشاعره، معتزله و سایر فرقه‌ها و مذاهب اسلامی را تخطئه کرده و تنها مرجع علمی مسلمانان را خاندان عترت ﷺ می‌داند (عرفان، ش ۱۲، ص ۲۸۷).



با توجه به این که از یک طرف، جایگاه علمی اهل بیت علیهم السلام دارای برهین قرآنی و روایی است و از طرف دیگر، برخی از خلفا و بزرگان اهل سنت به آن معترفند، اکنون این پرسش مطرح می‌شود که چرا در طول تاریخ اسلام، شیعه از این زاویه کمتر به اهل بیت علیهم السلام تکیه کرده و بیشتر بر امامت به معنای زعامت تأکید داشته است. شاید دلیل این نوع نگاه شیعه به اهل بیت علیهم السلام این باشد که از یک سو اولین نقطه اختلاف بین شیعه و سنی موضوع زعامت تلقی شده، که احادیث انذار، منزلت و غدیر بیان کننده آن می‌باشد و از سوی دیگر، گاه این روایات از جهت صدور، بر حدیث ثقلین که بر مرجعیت علمی اهل بیت علیهم السلام دلالت می‌کند، تقدم زمانی داشته و این خود بر نگاه امامیه تأثیرگذار بوده است.

### محبت اهل بیت علیهم السلام

دوستی و محبت اهل بیت علیهم السلام یکی از اصول اسلام و محورهای مهم و مشترک تقریب مذاهب اسلامی است که در قرآن و سنت نبوی صلی الله علیه و آله و سلم بر آن تأکید فراوان شده و تمام فرقه‌های اسلامی به خاندان رسالت محبت دارند. قرآن کریم محبت و دوستی اهل بیت علیهم السلام را به عنوان اجر و پاداش رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مطرح کرده است: «قُلْ لَا أُسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ؛ بگو من از شما در برابر رسالتم مزدی طلب نمی‌کنم به جز مودت نسبت به اقربا» (شوری/۲۳۲).

«سعد ابن عباس قال لما نزلت «قل لا أسئلكم عليه أجراً إلا المودة في القربى» قالوا: يا رسول الله من هؤلاء الذين أمرنا الله بمودتهم قال: علي وفاطمة وولدهما؛

حسکانی به روایت از ابن عباس نقل می‌کند:

چون آیه (مودت) نازل شد گفتند: یا رسول الله! آنهایی که خداوند ما را به دوستی آنها امر فرموده، کیستند؟ فرمود: علی و فاطمه و دو پسر آن دو. (حسکانی، پیشین، ج ۲، ص ۱۸۹، ثعلبی، ۱۴۱۲، ج ۸، ص ۳۱۰، سیوطی، پیشین، ج ۶، ص ۷، قرطبی، پیشین، ج ۱۶، ص ۲۲، کوفی، ۱۴۱۰، ص ۳۹۰، ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹، ج ۱۰، ص ۳۲۷، رمخسری، پیشین، ج ۴، ص ۲۱۹، تتری، پیشین، ج ۳، ص ۳۳، طبرسی، پیشین، ج ۹، ص ۱۳، نطنزی، ۱۴۱۹، ج ۳، ص ۲۸۰).

این آیه از روز نخست یک معنا بیشتر نداشته و آن این که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم خواستار پیوند با «ذی القربی» شده است. مفسران عالی قدر و محدثان اسلامی و ادبا و شعرا از این آیه یک معنا بیشتر نفهمیده‌اند و آن دوستی خویشاوندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است. (سبحانی، ش ۱۷۴، ص ۲۶).

### محبت اهل بیت علیهم السلام در نگاه دانشمندان اهل سنت

نقل قضایل و مناقب اهل بیت علیهم السلام در مصادر روایی، تاریخی و کلامی اختصاص به شیعه نداشته و از قرن‌ها پیش تا کنون، نویسندگان بسیاری از سایر مذاهب اسلامی به این مهم پرداخته‌اند. احمدین حنبل (۱۶۴-۲۴۱ ق) در *فضائل امیرالمؤمنین*، بلاذری (۲۷۹ ق) در *انساب الاشراف*، نسائی (۳۰۳ ق) در *خصائص امیرالمؤمنین*، مردویه (۳۲۳-۴۱۰ ق) در *مناقب*، ابونعیم اصفهانی (۳۲۳-۴۳۰ ق) در *ما نزل فی علی من القرآن*،

تاریخ طبرستان

سال پنجم / شماره هفدهم

ابن مغزلی (۳۸۳ ق) در *مناقب علی بن ابی طالب*، حسکانی (قرن پنجم) در *نزهة التنزیل*، خوارزمی (۵۶۸ ق) در *تاریخ دمشق*، ابن جوزی (۵۸۱-۶۵۰ ق) در *تذکره الخواص*، جوینی (۶۴۴-۷۳۰ ق) در *قرائد السطین*، سیوطی (۹۱۰ ق) در *القول الجلی فی فضائل علی و صدها* نویسنده دیگر، گوشه‌هایی از قضایل بی‌شمار خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام را نوشته و بازگو نموده‌اند که این خود می‌تواند بهترین دلیل بر محبت اهل سنت نسبت به اهل بیت علیهم السلام محسوب گردد.

برخی از پژوهش‌گران معتقدند کتاب‌های اهل سنت درباره مناقب و مودت اهل بیت و نوع مسائل مختلف مربوط به خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و شایستگی‌ها و ویژگی‌های ایشان در مسائل اسلامی و انسانی، بیش از صد عنوان است.

«چون سخن از تالیفات اهل سنت درباره اهل بیت علیهم السلام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و مناقب ایشان است، باید یاد کرد که علمای اهل سنت، به جز کتبی که ویژه مناقب خاندان رسول و ائمه طاهرین نگارش کرده‌اند و در دیگر کتب خویش در تفسیر و حدیث و کلام و تاریخ و اخلاق و در مناسبت‌های بسیار به نقل مناقب علی و اولاد علی پرداخته‌اند... کتب اهل سنت، که در آنها مناقب و مسائل مربوط به حضرت مهدی علیه السلام و حکومت مهدی آمده است، بیش از ۱۵۰ و کتب اهل سنت که ویژه حضرت مهدی علیه السلام نگارش یافته، بیش از ۲۰ عنوان است. (حکیمی، ص ۵۱۹، ۵۱۹).

«اهل سنت در مواردی از شیعه بیشتر اهل بیت را دوست دارند. مقاله‌ای را در مجله‌ای خواندم تحت عنوان «اصول سنت و جماعت» از دکتر فوزان فوزان که ده اصل در این مقاله برای وهابیان اهل سنت و جماعت ذکر کرده و چالب این است که در اصل هفتم محبت اهل بیت علیهم السلام را برشمرده است.» (سی‌آزار شیرازی، ش ۱۷۴، ص ۱۱۲).

ولی امر مسلمین جهان، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در کنفرانس جهانی اهل بیت علیهم السلام پیرامون نقش محبت اهل بیت علیهم السلام در متحد کردن مسلمانان در صف و هدف واحد می‌گوید:

«مسئله اهل بیت علیهم السلام، یکی از مهم‌ترین و بزرگ‌ترین مسائل اسلام و در ردیف مسائل درجه اول این دین مقدس است. محبت اهل بیت علیهم السلام، فریضه‌ای است که مسلمانان عالم از هر فرقه و وابسته به هر جریان و گروهی، آن را پذیرفته‌اند و به آن مباحثات می‌کنند. ما که مفتخر به پیروی از فقه اهل بیت علیهم السلام، مکرم هستیم و دین را اصولاً و فروعاً از آنها آموخته‌ایم، نباید گمان کنیم که محبت اهل بیت علیهم السلام، مخصوص ماست و نباید اشتباه کنیم و فکر کنیم که اهل بیت علیهم السلام، فقط متعلق به ما هستند. اهل بیت علیهم السلام متعلق به اسلام‌اند؛ هم‌چنان که جدشان نبی اکرم، متعلق به اسلام بود. اهل بیت علیهم السلام متعلق به جهان و تاریخ‌اند؛ هم‌چنان که جدشان نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم متعلق به بشریت و تاریخ بود.» (www.leader.ir).

### نتیجه‌گیری

با توجه به مباحث بیان شده، این نتیجه به دست می‌آید که مذاهب اسلامی دارای اساسی‌ترین محورهای مشترک، هم‌چون قرآن کریم، سنت نبوی صلی الله علیه و آله و سلم، مرجعیت علمی اهل بیت علیهم السلام و محبت

محورهای تقریب مذاهب اسلامی



آنانند. قرآن مجید و سنت نبوی، دو منبع اصلی و اساسی شریعت به شمار می‌رود. وجه مشترک تمامی مذاهب اسلامی نیز این دو منبع است و حجیت منابع دیگر نیز منوط به آنهاست. هم‌چنین، مرجعیت علمی اهل بیت علیهم‌السلام در حقیقت تداوم سنت نبوی بوده است. قرآن به لزوم محبت خاندان رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم برای تمامی مسلمانان تصریح کرده و همه فرقه‌ها و مذاهب اسلامی این امر را پذیرفته‌اند و تجربه تاریخی نیز آن را اثبات نموده است.

**منابع و مآخذ**

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ح ۱۲ و ۱۸.
- ۳- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ج ۱۵ و ۱، ۱۳۸۵ق.
- ۴- ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد، تفسیر القرآن العظیم، المکتبه المصریه، بیروت، چاپ دوم، ح ۱۰، ۱۴۱۹ق.
- ۵- ابن خلدون، عبدالرحمن، مقدمه ابن خلدون، ترجمه محمد پروین گلابادی، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۶۶ش.
- ۶- ابن سعد، الطبقات الکبری، دار صادر، بیروت، ج ۶.
- ۷- ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، دار الکتب العلمیه، بیروت، ج ۳، ۱۴۱۵ق.
- ۸- ابن قتیبہ، تأویل مختلف الحدیث، دار الکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۰۰ق.
- ۹- ابوزهره، محمد الامام الصادق، عصره و حیاتہ - آراؤه و ققہہ، دار الفکر العربی، قاهره، ۱۹۹۳ م.
- ۱۰- الوسی، سید محمد، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، دار الکتب العلمیه، بیروت، ج ۳، ۱۴۱۵ق.
- ۱۱- ایزازی، محمدعلی، جایگاه اهل بیت در تفسیر قرآن، بیانات، ش ۲۸، ۲۷.
- ۱۲- ایچی، عضدالدین، المواقف، الشریف الرضی، قم، ج ۳، ۱۴۱۲ق.
- ۱۳- باقلانی، محمد بن طیب، تمهید الاوائل وتلخیص الدلائل، مؤسسه کتب الثقافیه، بیروت، ۱۴۱۴ق.
- ۱۴- بلاذری، ابن اسحاق، انساب الانسراف، تحقیق و تعلیق: محمدباقر محمودی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۹۷۳ق.
- ۱۵- بی‌آراری شیرازی، عبدالکریم، «دانشمندان اسلامی و مرجعیت علمی اهل بیت»، کیهان فرهنگی، ش ۱۸۴.
- ۱۶- بی‌آراری شیرازی، عبدالکریم، «مودت اهل بیت محور وحدت مسلمانان»، کیهان فرهنگی، ش ۱۷۲.
- ۱۷- ترمذی، محمد بن عیسی، سنن ترمذی، دار الفکر للطباعه والنشر والتوزیع، بیروت، چاپ دوم، ح ۱، ۱۴۰۳ق.
- ۱۸- تستری، نورالله، احقاق الحق، مکتبه آیت‌الله العظمی المرعشی العامه، قم، ج ۳، ۱۴۰۴ق.
- ۱۹- تسخیری، محمدعلی، «دانش اهل بیت»، محور وحدت، کیهان فرهنگی، ش ۱۷۲.
- ۲۰- تسخیری، محمدعلی، «وحدت اسلامی بر پایه مرجعیت علمی اهل بیت»، جایگاه اهل بیت در اسلام و امت اسلامی، (گزیده مقالات چهاردهمین کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی).

- ۲۱- تسخیری، محمدعلی، گفتگو در قرآن، اخبار تقریب، ش ۵۲، ۵۱.
- ۲۲- ثعلبی، احمد بن ابراهیم، الکشف والبیان عن تفسیر القرآن، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ح ۸، ۱۴۱۲ق.
- ۲۳- چشم و چراغ مرجعیت (مصاحبه ویژه مجله حوزه با شاگردان آیت‌الله العظمی بروجردی)، به کوشش: مجتبی احمدی، عبدالرضا ایزدپناه، حسین شرفی، سیدعباس صالحی، محمدحسن نجفی، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، چاپ ۱، ۱۳۷۹ ش.

- ۲۴- حافظ اصفهانی، ابونعیم، حلیه الاولیاء وطبقات الاصفیاء، دار الکتب العربی، بیروت، ح ۱، ۱۴۰۷ق.
- ۲۵- حسکای، حاکم، سواد التنزیل، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ح ۲، ۱۴۱۱ق.
- ۲۶- حکیمی، محمدرضا، ۲۰۰ کتاب در شناخت شیعه، یادنامه علامه امینی.
- ۲۷- خیرخواه، کامل، کاشف القطع، فریادگر وحدت اسلامی، مکتب اسلام، ش ۸.
- ۲۸- ذهبی، محمد بن احمد، سیره اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، ج ۴، ۱۴۱۷ق.
- ۲۹- رازی، ابوالفتح، تفسیر روح البیان، کتاب فروشی اسلامی، تهران، ج ۱، ۱۳۶۸ق.
- ۳۰- رزندی حنفی، نظم در السمعتین.
- ۳۱- زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف، دارالمعرفه، بیروت، ج ۴، ۱۴۱۲ق.
- ۳۲- سبحانی، جعفر، احساسات شاعرانه در ستایش اهل بیت، کیهان فرهنگی، ش ۱۷۴.
- ۳۳- سمانی، تفسیر السمانی، تحقیق: یاسر بن ابراهیم و غنیم بن عباس بن غنیم، دار الوطن، الرياض، ج ۵، ۱۴۱۸ق.

- ۳۴- سید قطب، فی ظلال القرآن، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ج ۱.
- ۳۵- سیوطی، جلال‌الدین، الدر المنثور، دار الکتب العلمیه، چاپ اول، ج ۲، ۱۲۲۱ق.
- ۳۶- شیخ صدوق، الامالی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ج ۳، ۱۴۱۰ق.
- ۳۷- طباطبایی، محمدحسین، المیزان، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ج ۱۲، ۱۳۷۲ ش.
- ۳۸- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، چاپ اول، ج ۲، ۱۴۱۵ق.
- ۳۹- مجمع البیان فی تفسیر القرآن، انتشارات ناصرخسرو، تهران، ح ۸، ۱۳۷۲ش.
- ۴۰- طبری، محمد بن عیسی، مناقب الامام علی امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۳ش.
- ۴۱- طبری، محمد بن جریر، جامع البیان، دار الفکر، بیروت، چاپ اول، ج ۱۷، ۱۴۲۱ق.
- ۴۲- طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ج ۲.
- ۴۳- عرفان، فاضل، «اهل بیت در تفسیر شهرستانی»، پژوهش‌های قرآنی، ش ۱۱-۱۲.
- ۴۴- عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، ج ۱.
- ۴۵- فخر رازی، تفسیر الکبیر، دار الفکر، بیروت، ج ۱، ۱۴۰۵ق.
- ۴۶- قدردان قراملکی، محمدحسن، اسلام خاستگاه تفاهم و مدارا: هم‌زیستی مسالمت‌آمیز از دیدگاه آموزه‌های اسلام و پیامبر اعظم، قدس.
- ۴۷- قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ج ۲.
- ۴۸- قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، دارالکتاب، قم، ج ۲، ۱۳۶۷ ش.

- ۴۹- قمی، محمدن محمدرضا، *تفسیر کثر الدقائق*، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ج ۱، ۱۳۶۶ش.
- ۵۰- کریمی حسینی، نیدعاس، *تفسیر علیین*، انتشارات اسوه، قم، ج ۱، ۱۳۸۲ ش.
- ۵۱- کلینی، محمدن یعقوب، *کافی*، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ج ۱، ۱۳۸۸ق.
- ۵۲- کوفی، فرات بن ابراهیم، *تفسیر فوات الکوفی*، مؤسسه الطبع والنشر التابعه لوزاره الثقافه والارشاد الاسلامی، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۰ ق.
- ۵۳- منقی هندی، *کثر العما*، مؤسسه الرساله، بیروت، ج ۱۳، ۱۴۰۵ق.
- ۵۴- محلی، محمدباقر، *بحار الانوار*، آخوندی، تهران، ۱۳۶۰ش.
- ۵۵- محسنی، محمد آصف، *تقریب مذاهب از نظر تا عمل*، نشر ادیان، قم، ۱۳۸۶ش.
- ۵۶- مسلم، صحیح مسلم، دار الفکر، بیروت، ج ۲.
- ۵۷- مطهری، مرتضی، *جهاد*، انتشارات صدرا.
- ۵۸- مطهری، مرتضی، *اسلام و مقتضیات زمان*، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۶۲ش.
- ۵۹- مطهری، مرتضی، *سیری در سیره نبوی*، انتشارات صدرا، چاپ ۳، ۱۳۸۵ش.
- ۶۰- مفرمی، احمد، *فتح الملک العلی*، مکتبه الامام امیرالمؤمنین علی (ع)، ۱۴۰۳ق.
- ۶۱- مکارم شیرازی، ناصر، *پیام قرآن*، نسل جوان، قم، ج ۱۰، ۱۳۷۳.
- ۶۲- مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ج ۱۱ و ۱۶، ۱۳۷۳ ش.
- ۶۳- نسفی، ابوالبرکات، *مدارک التنزیل و حقایق التأویل*، دارالکلام الطیبه، بیروت، ج ۲، ۱۳۱۹ق.
- ۶۴- نیشابوری، حاکم، *مستدرک علی الصحیحین*، دار المعرفه، بیروت، ج ۲، ۱۴۰۰ق.
- ۶۵- هبشی، علی بن ابی بکر، *مجمع الزوائد و مشبع القوائد*، دار الکتب العلمیه، بیروت، ج ۷، ۱۴۰۸ق.
- ۶۶- واعظزاده خراسانی، محمد، *زندگی آیت الله العظمی بروجردی*، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ۱۳۶۹ش.
- ۶۷- وحیدی، محمد فرید، *دائرة المعارف*، دارالمعرفه للطباعه والنشر، بیروت، ج ۶، ۱۹۷۱ق.
- ۶۸- [www. Leader.ir](http://www.Leader.ir)

۹۲

نمایش تقریب

سال پنجم / شماره هفدهم

